

مقایسه الگوی روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و سیاسی با معیارهای نظری موجود در روزنامه باختر امروز

معصومه ستوده^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۸، تاریخ تایید: ۹۷/۱۰/۴

چکیده

فاطمی روزنامه‌نگار، در دورانی که هنوز بسیاری از مدیران روزنامه‌ها با قواعد حرفه‌ای کار آشنا نبودند، «باختر امروز» را به‌عنوان مؤثرترین روزنامه ایران در خلال سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ منتشر کرد و میان گرایش‌های سیاسی تأثیرگذار و اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری پیوند نزدیکی را به‌وجود آورد.

همین موضوع، مسئله این پژوهش است؛ به این معنا که چگونه در باختر امروز از شکاف‌های متعارف میان روزنامه‌نگاری سیاسی و حرفه‌ای کاسته شد و فاطمی توانست با وفاداری به اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، مشی انتقادی این روزنامه را در درون دولت سازمان و سامان بدهد.

در واقع نقش‌های متفاوت «فاطمی روزنامه‌نگار» با «فاطمی دولتمرد» در باختر امروز، مسئله این پژوهش است که برای پاسخ‌گویی به آن بهره‌گیری از روش تاریخی و مصاحبه و تحلیل محتوا و مصاحبه عمقی با بازماندگان این روزنامه، تحلیل محتوای سرمقاله‌های فاطمی در سال ۱۳۲۸ و ۱۳۳۲ پرداخته شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دکتر حسین فاطمی به‌عنوان نخستین دانش‌آموخته ایرانی در دوره دکتری روزنامه‌نگاری، توانسته است «روزنامه‌نگاری سیاسی» را به اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری نزدیک کند.

تحلیل محتوای ۳۲ اثر دکتر فاطمی در سال ۲۸ به‌عنوان یک روزنامه‌نگار بدون مقام سیاسی و ۱۳ اثر در سال ۳۲ به‌عنوان وزیر امور خارجه‌ای که روزنامه‌نگار نیز هست، مورد تحلیل محتوا قرار می‌گیرد.
واژگان کلیدی: فاطمی، باختر امروز، روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، روزنامه‌نگاری سیاسی

^۱ کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران و روزنامه نگار
sotoodeh1384@gmail.com

طرح مسئله

در عرصه کار حرفه‌ای جدال بین روزنامه‌نگارانی که خود را معتقد به آرمان‌های سیاسی خاص می‌دانند و روزنامه‌نگارانی که به آرمان خاصی اعتقاد ندارند، همواره در ایران وجود داشته است. این منازعه و تشتت در دوره‌های موثر سیاسی بیشتر بروز داشته است.

به نظر می‌رسد که بررسی نمونه‌های موفق که توانسته باشد میان این دو گرایش، تلفیقی به وجود آورد و روزنامه‌نگاران سیاسی را به مشی حرفه‌ای نزدیک کند، می‌تواند عملاً به افزایش دانش و تجربه در روزنامه‌نگاری ایران کمک کند.

یکی از نمونه‌های موفق که توانسته این دو مدل را با هم تلفیق کند، دکترسید حسین فاطمی است. فاطمی به‌عنوان مدیر روزنامه «باختر امروز» توانست در بالاترین مسئولیت سیاسی؛ مانند معاونت نخست‌وزیری و وزیر امور خارجه در دولت دکتر مصدق قرار بگیرد و به‌صورت هم‌زمان این روزنامه را به‌شیوه حرفه‌ای و علمی اداره کند.

این پژوهش در صدد است تا مقایسه‌ای بین روزنامه‌نگاری سیاسی و روزنامه‌نگاری حرفه‌ای با تأکید بر روزنامه باختر امروز به‌عنوان روزنامه‌ای تأثیرگذار در تاریخ سیاسی ایران، انجام دهد تا مشخص شود که آیا فاطمی توانسته در انتشار اخبار، معیارهای حرفه‌ای را مدنظر قرار دهد. اصولاً برای تلفیق روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و روزنامه‌نگاری سیاسی چه اصولی باید مدنظر قرار بگیرد.

اهمیت تحقیق

شکاف میان روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و روزنامه‌نگاران سیاسی در حوزه روزنامه‌نگاری علمی و عملی، یکی از مباحث دامنه‌دار و چالش‌برانگیز این حرفه به‌شمار می‌رود. از یک‌سو روزنامه‌نگاران حرفه‌ای با تأکید بر تجربه‌های شغلی تلاش می‌کنند تا از ورود به عرصه ابهام‌آمیز و در بسیاری مواقع پرخطر سیاست دوری کنند و از سوی دیگر، روزنامه‌نگاران سیاسی با مدنظر قراردادن مسائل و اهداف آرمانی خود تلاش می‌کنند که روزنامه‌نگاری را نه به‌عنوان اصل، بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای نیل به آرمان‌ها و اهداف سیاسی مورد بهره‌برداری قرار دهند. وجود همین چالش مهم، روزنامه‌نگاران را در میان دو قطب فعالیت حرفه‌ای و یا سیاسی سردرگم کرده است. بررسی اصول این دو نوع روزنامه‌نگاری و مطالعه الگوی مطلوب این دو حوزه در روندی تاریخی می‌تواند به کاستن از این چالش کمک کند؛ از این رو مطالعه روزنامه باختر امروز، به‌عنوان روزنامه‌ای تأثیرگذار در تاریخ سیاسی کشور و در دولت دکتر محمد مصدق ۱۳۳۲-۱۳۳۰ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مطالعه روزنامه باختر امروز از آن جهت دارای اهمیت است که فاطمی هم تحصیل کرده رشته روزنامه‌نگاری بود و هم سیاستمدار. او تلاش کرد تا نهادی مدرن در نشر مطبوعات تأسیس کند و در این مسیر، ایده‌های بزرگی همچون لوموند و دیدرز دایجست را مدنظر داشت. این تحقیق در صدد است به این سؤال پاسخ دهد آیا فاطمی توانسته است در عین حال که مرد سیاست است، یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای نیز باشد؟ اصول و رویکردهای فاطمی در روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در روزنامه باختر امروز چه بوده است؟

پیشینه تاریخی

انتشار اولین روزنامه در ایران با استبداد دولتی گره خورده است؛ «کاغذ اخبار» که اولین بار در دوران محمدشاه توسط میرزا صالح شیرازی در سال ۱۲۵۳ هجری قمری منتشر شد. بنابراین انتشار روزنامه در ایران خلاصه شده بود به اراده حکومت. البته پس از آن نیز انتشار روزنامه، به مداخله مستقیم دولت و حکومت وابسته بود تا اینکه فرمان مشروطیت در مرداد ماه ۱۲۸۵ شمسی امضاء شد.

پس از اعلام مشروطیت و آزادی نسبی مطبوعات، تعداد و تیراژ روزنامه‌ها افزایش یافت؛ چنانکه تیراژ روزنامه «مساوات» به سه هزار، روزنامه «صور اسرافیل» به پنج هزار و تعداد نسخ روزنامه «مجلس» از هفت هزار به ده هزار و روزنامه «انجمن ملی» به پنج هزار نسخه رسید. روزنامه صور اسرافیل که در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شد، به سبب تفسیر و نشر اخبار سیاسی روز تحت عنوان «چرند و پرند» به قلم علی‌اکبر دهخدا محبوبیت بی‌اندازه‌ای پیدا کرد و مورد پسند کلیه طبقات ملت قرار گرفت (شجیعی، ۱۳۷۲: ۹۶).

با بمباران مجلس در ۲۶ جمادی الاول ۱۳۲۶، همه مطبوعات توقیف شدند و روزنامه‌نگاران و مخالفان شاه دستگیر شدند. در این سال، میرزا جهانگیرخان شیرازی و شیخ احمد تربتی بر سر قلم، جان دادند. بعد از سقوط محمدعلی‌شاه و فتح تهران (نیمه دوم ۱۳۲۷ قمری) روزنامه‌نگاران مهاجر بار دیگر به کشور بازگشتند و مطبوعات ایران دوباره پروتق شد.

مطالعه دوره‌های مختلف تاریخی، نشان می‌دهد که میان قدرت سیاسی و وضعیت جامعه مدنی و چگونگی روزنامه‌نگاری در ایران، ارتباط عمیقی وجود دارد؛ به گونه‌ای که هرگاه ساختار قدرت دموکراتیزه شده، جامعه مدنی از قدرت بیشتری برخوردار است، روزنامه‌نگاری نیز اصول حرفه‌ای و لوازم توسعه‌ای خود نزدیک‌تر می‌شود و هرگاه نهاد قدرت، متمرکز و جامعه مدنی دچار محدودیت است، روزنامه‌نگاری نیز در بحران فرو می‌رود. دوره بیست‌ساله قدرت خودکامه رضاشاه به این اعتبار، از دوران سیاه روزنامه‌نگاری در ایران است (خانیک، ۱۳۸۱).

دهه بیست و مبدأ تحول روزنامه‌نگاری ایران

شهریور سال ۱۳۲۰ نقطه تحولی در تاریخ روزنامه‌نگاری به حساب می‌آید. به محض سقوط قدرت متمرکز شاه، مردم ایران اندکی آزادی را تجربه کردند. جلال آل احمد، این مقطع را دورانی می‌داند که «بندها می‌گسند و مردمی که از فشار سکوت نزدیک بود لال شوند، با عجله هر چه گفتنی است بیرون می‌ریزند و سال ۲۴ نمونه بارز این شتاب در گفتن و هر چه بدتر گفتن است و این انتقامی است که از سکوت می‌گیرند.» (آل احمد، ۱۳۶۴: ۲۷)

به تشبیه آل احمد در این دوره، «هر بقال تازه‌امتیازی گرفته و سرگروهان اخراج‌شده‌ای از قشون، دارد متن فراموش‌شده قانون اساسی را در مجله‌اش چاپ می‌کند و هر کارمند دون‌پایه اداری مدیر محترم روزنامه‌ای است حسابی جاسنگین؛ زیرا اسم و عنوانش بر روی کارت ویزیت عناوین تازه‌ای سنگینی می‌کند» (آل احمد، ۱۳۶۴: ۳۰).

در واقع، دولت پس از سقوط دیکتاتوری رضاشاه، فضایی برای روزنامه‌های منتقد باز کرد، ولی این روزنامه‌ها چندان با ادبیات حرفه‌ای آشنا نبودند. نوع ادبیات به کار گرفته شده، گاه به قدری سطح پایین بود که آل احمد از بی‌سوادی روزنامه‌نگاران گلایه می‌کند. آل احمد تصریح دارد بزرگ‌ترین نویسندگان دنیا از همین‌گوی گرفته تا آلبر کامو، از بالزاک گرفته تا داستایوفسکی، کلاس تهیه کار خود را در اوراق روزنامه می‌گذرانند و در دفاتر روزنامه‌نگاران با شعور و باسواد پرورش یافته‌اند و اینجا کاملاً بر عکس است... بنابراین تنویر افکار و احقاق حقوق مردم و انتقاد از نابسامانی اجتماعی در طاق نسیان افتاده و شغل مطبوعات، شده بقالی و عطاری... زبان مطبوعات در این دوران به شدت و حدت، مکالمه‌ای است که میان دو نفر دعوکننده بدزبان در کوچه در می‌گیرد با همان بی‌بندوباری و فضاخت. وی در ادامه همین نقد، نوشته است که روزنامه‌های این دوران کثیف هستند و روی بدترین کاغذها چاپ می‌شوند. غلط‌گیری آنها خوب نیست؛ چراکه هیچ‌کس چنین کاری را نیاموخته است. کلیشه‌سازها قدرت و توانایی این همه سفارش را ندارند. نقاش و کاریکاتورساز نداریم. از روتاتیو خبری نیست. صحافی‌ها ماشینی نشده‌اند. هنوز هیچ صحافی نمی‌تواند ده‌ها هزار مجله را یک‌شبه حاضر کند، با وجود این همه روزنامه، چرا از اینهمه روزنامه‌خواندن چیزی نصیب ما نمی‌شود و چیزی به شعورمان اضافه نمی‌شود؟ چرا هنوز یک اتحادیه مطبوعات نداریم؟ و دلیل آن واضح است؛ ما از هر نمودار تمدن غربی، فقط جنبه ظاهری‌اش را حفظ می‌کنیم و فقط ادای روزنامه‌نویسی را انجام می‌دهیم (آل احمد، ۱۳۶۴: ۳۴).

روزنامه‌نگاری حرفه‌ای

حرفه‌ای‌ماندن در عرصه روزنامه‌نگاری، بیش از هر چیزی دغدغه خود را معطوف دروازه‌بانی خبر می‌کند، همچنان‌که بر این باور است که این مسئله، وجه تمایز روزنامه‌نگار حرفه‌ای و

روزنامه‌نگار سیاسی است؛ به عبارت بهتر، کسی خبرنگار حرفه‌ای محسوب می‌شود که برای انتخاب خبر، معیارهای حرفه‌ای را در نظر بگیرد و سعی کند تا از این اصول عبور ننماید. والتروارد^۱ پس از بررسی تحقیقات موجود و مطالعه ۳۵ کتاب درسی روزنامه‌نگاری و گفتگو با روزنامه‌نگاران حرفه‌ای، چارچوبی را ارائه داد که در آن خبر، در سه بُعد و نیز در سطوح مختلف تعریف شده است ابعاد خبری وارد چنین است:

اول؛ اهمیت، که خود دارای سه سطح است:

۱- دربرگیری^۲

۲- بزرگی (مقدار و فراوانی)^۳

۳- بدون دربرگیری یا فراوانی^۴

دوم؛ برجستگی (معروفیت)^۵ که در دو سطح قابل سنجش است:

۱- شهرت^۶

۲- بدون شهرت^۷

سوم؛ معمول متعارف^۸ را که باید در سه سطح مورد توجه قرار داد:

۱- عجیب و استثنائی^۹

۲- برخورد (اختلاف و درگیری)

۳- عادی، بدون برخورد، معمولی^{۱۰} (بدیعی، ۱۳۷۱: ۲۲).

روزنامه‌نگاری سیاسی

روزنامه‌نگاری سیاسی، از زمانی متولد شد که اصحاب قدرت با کنترل اخبار، تلاش کردند تا اخباری خوب و هدایت‌شده را به افکار عمومی تزریق کنند. البته در مجلس عوام انگلستان، حلقه‌ای از خبرنگاران پارلمانی گردهم آمدند که فاصله خود را روزبه‌روز با قدرت، کمتر کرده و به‌نوعی مورد اعتماد اصحاب قدرت قرار گرفتند، هرچند اخباری نادرست، به دفعات، از سوی اصحاب قدرت منتشر می‌شد تا دشمن را در جریان جنگ، گیج کنند؛ همچنان‌که دولت در جریان خبر درگیری در آتلانتیک جنوبی به‌خاطر جزایر فالکلند اقداماتی را به‌منظور کنترل

¹ walterward

² impact

³ magnitude

⁴ no impact or magnitude

⁵ prominence

⁶ known principal

⁷ un known principal

⁸ normality

⁹ oddity

¹⁰ conflict

اخبار انجام می‌داد تا با انتشار آن دشمن، گیج شده و گول بخورد، این مسئله، چندان تازگی نداشت، اما به صورت صریح نشان داد که چگونه اصحاب قدرت با ارائه اخبار خاص و برگزیده به خبرنگاران، دیگران را تحت نفوذ قرار می‌دهند. البته شکل دیگری از کنترل اخبار وجود دارد که اخبار به صورت هماهنگ در زمان‌های خاص منتشر می‌شود تا اخبار خوب، اخبار بد را تحت پوشش قرار دهد. اگر تلاش صورت گرفته برای کنترل اخبار به صورت آشکار و صریح باشد، احتمال موفقیت آن خیلی کم است، بنابراین از حوزه خبرنگاران متنفسد سیاسی - که به خبرنگاران لابی مشهور است^۱ استفاده می‌شود؛ در این شیوه، تکنیک‌های متداول و معمول جمع‌آوری اخبار با روابط پنهانی درهم می‌آمیزد. این سیستم نه تنها در امر روزنامه‌نگاری، بلکه در خود سیاست هم مورد سؤال قرار می‌گیرد. در این رابطه، سؤالات مهمی پیش می‌آید:

- ۱- آیا خبرنگاران لابی، به دولت بیش اندازه نزدیک هستند.
- ۲- آیا خبرنگاران متنفسد سیاسی، خیلی راحت در کنترل دولت قرار می‌گیرند.
- ۳- آیا این خبرنگاران به ابزار مناسبی در تصمیم‌گیری دولت تبدیل می‌شوند (نگرین، ۱۳۷۰: ۳۵).

چگونگی کنترل خبرنگاران از مسائلی است که مورد توجه نظریه‌پردازان و متخصصان حوزه رسانه قرار داشته است. جان کین نویسنده کتاب «رسانه‌ها و دموکراسی» در تشریح این رویکرد، آورده است: «اولین دولت‌های مدرن، به خصوص در آن مرحله که این دولت‌ها شکل استبدادی داشتند در جامعه ملوک‌الطوایفی که متشکل از نظام‌ها و قلمروهای گوناگون بود، خود را تنها منبع و منشأ وحدت تلقی می‌کردند و این کارگزاران قدرت دولتی به طرق مختلف سعی کردند تا مصون و مشروع باقی بمانند و آراء و عقاید خود را میان اتباع حکومت اشاعه دهند. اظهارات صورت گرفته در مورد سرنیزه‌ها و قلم‌ها در واقع توجه به چنین سازوکاری است. در راستای اجرایی‌کردن همین سیاست است که تلویزیون بیشتر به رسانه‌ای برای بازاریابی تبدیل شده و همین گرایش تبلیغاتی حکومت، همواره روزنامه‌نگاران را شگفت‌زده کرده است. در گذشته مقامات مطبوعاتی می‌خواستند تا درک روزنامه‌نگاران را از یک واقعه، کنترل و در واقع به آن جهت بدهند، اما امروزه آنها را به‌مثابه بنگاه پخش خبر محسوب می‌کنند؛ بنگاهی که عملکردش بی‌شباهت به عملکرد دستگاه تبلیغاتی نیست، با این تفاوت که روزنامه‌نگاران، همواره رام و سربراه نیستند» (کین، ۱۳۸۳: ۳۶).

برخلاف دیدگاه نگرین که نزدیکی خبرنگار به قدرت را سازشکارانه می‌داند، محمد حسنین هیکل اعتقاد دیگری دارد؛ این روزنامه‌نگار شهیر مصری بر این باور است که رابطه روزنامه‌نگار

¹ the lobby correspondents

با رژیم، حیاتی است؛ زیرا رژیم خبرساز است و روزنامه‌نگار طالب خبر. هیکل در کتاب «میان مطبوعات و سیاست»، در مورد جایگاه مطبوعات در انقلاب سال ۱۹۵۲ مصر می‌گوید: «معقول نبود که مطبوعات از سیاست و آنچه در مراحل تحول اقتصادی و اجتماعی تحمیل می‌شد، به‌دور باشند. شاید تنها راه آن موقع مطبوعات این باشد که موضع خود را نسبت به سلطهٔ واحده، مشخص کنند و نشان دهند که در کجای هرم آن قرار دارند؛ آیا در رأس هرم هستند یا اینکه باید بحث کرده و در سطح تصمیم‌گیری به گفت و شنود بنشینند یا در قاعدهٔ هرم قرار گرفته و قرار است نقش دنباله‌رو را ایفا نمایند. بدین‌گونه، راهی جز مقداری نزدیک‌شدن نبود، این انتخاب مطرح شده بود که دقیقاً تا کجا باید تا سطح گفت‌و‌شنود و تصمیم‌گیری و یا سطح وابستگی را باید گسترش داد، هرچند خبر، وسیله‌ای در دست رژیم برای تماس با توده‌هاست، اما برای خود روزنامه‌نگار ناشایست است که صرفاً یک سیم رابط یا بوق باشد، بنابراین رابطه‌ای است میان طرفین؛ هر دو به یکدیگر نیاز دارند و هر دو نسبت به هم جانب احتیاط را رعایت کنند. روزنامه‌نگار خبر می‌خواهد و استقلال خود را و رژیم برای رسیدن به مردم برای استقلال روزنامه‌نگار اهمیتی قائل نیست. جنبهٔ چهارم این است که نزدیک‌شدن روزنامه‌نگار به رژیم و نزدیک‌شدن رژیم به روزنامه‌نگار، به‌نوبهٔ خود رابطه‌ای ترکیبی است. وقتی روزنامه‌نگار به اندازهٔ کافی به کانون خبر نزدیک شد، خواه‌ناخواه، نه‌تنها شاهد ساخت خبر، بلکه گاه به تناسب اهمیت و موقعیت خود به یکی از طرف‌های ساخت خبر تبدیل می‌شود. این امر، منحصر به مصر نیست. والتر لیمپن پیشکسوت روزنامه‌نگاران قرن حاضر، نزدیک‌ترین روزنامه‌نگار به ویلسن بود که توانست ۱۴ اصل ویلسن را تدوین کند؛ اصولی که در پایان جنگ جهانی اول، سر و صدای زیادی را به پا کرد. روزنامه‌نگاران برجستهٔ دنیا همچون هوبربوومری از لوموند فرانسه، جیمز رستون از نیویورک تایمز، کنراد الرد از اشپیگل و الکسی ارجوبی از ایزوستیا روسیه، تنها ناقلان خبر نبودند، بلکه همراه مردانی از جمله دوگل، کندی، برانت و خروشچف بودند (هیکل، ۱۳۶۴: ۱۹۳ و ۱۹۴).

انتقاد در مطبوعات ایران

انتقاد در مطبوعات ایران به‌عنوان حلقهٔ مفقوده میان روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و روزنامه‌نگاری سیاسی همواره مورد توجه بوده است. درست زمانی که مردم می‌آموختند که می‌توانند قدرت را نقد کنند، جای مناسبی برای انتقاد پیدا نمی‌کردند. با توجه به اینکه اولین روزنامه‌های ایرانی، روزنامه‌های دولتی بود، امکان نقد قدرت وجود نداشت، همچنان‌که روزنامهٔ میرزاصالح که در دستگاه سلطنت محمدشاه، انتشار یافت، همین وضع را داشت و یک روزنامهٔ رسمی، دولتی و استبدادی بود.

دکتر کاظم معتمدنژاد بر این باور است که نخستین تعارضها در روزنامه‌نگاری غرب با روزنامه‌نگاری تقلیدی ایران اینجا مشخص می‌شود؛ زیرا نخستین روزنامه‌های دولتی و استبدادی در ممالک استبدادزده، زمانی تأسیس شد که مطبوعات کشورهای غرب پس از عصر پرجاذبه مطبوعات عقیدتی و سیاسی، به آخرین مرحله خود وارد شده بودند، اما در کشورهای مذکور در آغاز فعالیت مطبوعات خبری و تجارتي غربی، تحت تأثیر نقش‌های روزنامه‌نگاری عقیدتی و انقلابی، روزنامه‌های دولتی و استبدادی دایر شد (معتمد نژاد، ۱۳۸۲: ۴۵۷).

انتقاد در مطبوعات ایران، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده که برای درک بهتر آن می‌توان از دوره‌های تاریخی بهره گرفت.

۱- جایگاه انتقاد مطبوعاتی در دوران پیش از مشروطه

برای آگاهی بیشتر از اوضاع مطبوعات ایران در دوره ناصری، به دو گفتار از محمدحسن صنیع‌الدوله (اعتماد السطنه) که گویای دیدگاه شاه و دولتمردان آن عصر نسبت به مطبوعات است، اکتفا می‌شود؛ «در اوایل طلوع نیر این دولت، مقرر گردیده که هیچ کتاب و جریده و اعلانی و امثال ذلک در هر کارخانه از مطابع جمیع ممالک محروسه ایران مطبوع نیفتد، آلا پس از ملاحظه مدیر این اداره و امضای وی. از وقتی مسئولیت با نگارنده شده است، نشان امضاء را مهری قرار داده مشتمل بر عبارت «ملاحظه شد» و صورت خفته شیر و خورشید... (قاسمی، ۱۳۷۲: ۲۳).

چون در این روزنامه دولتی، جایی برای انتقاد وجود نداشت، شب‌نامه‌ها و اعلان‌نامه‌ها از در دیوار فرو می‌ریخت. اعلان‌نامه‌ها و شب‌نامه‌ها در بین مردم توزیع می‌شد. انجمن‌هایی که عقاید خاصی را منتشر می‌کردند، این انجمن‌های مخفی که برای برقراری قانون تلاش می‌کردند، به‌عنوان نماد تکوین جامعه مدنی، به‌منظور بسط اندیشه‌های خود از هر ابزاری بهره می‌گرفتند که مهم‌ترین آن اعلان‌نامه یا شب‌نامه بود که خانه‌به‌خانه توزیع می‌شد (خانیکی، ۱۳۸۱: ۲۹۴).

۲- وضعیت انتقاد در مطبوعات پس از مشروطه

با آغاز سلطنت محمدعلی شاه (۱۳۲۵ قمری) وزارت انطباعات منحل شد و بخشی از وظایف آن که رسیدگی به امور چاپخانه‌ها و روزنامه‌های دولتی، صدور امتیازها و جرایم مطبوعاتی محدود بود، به وزارت علوم و معارف واگذار گردید. در این سال، یکباره ۹۹ نشریه وارد بازار مطبوعات شد؛ از این تعداد ۳۶ نشریه در تهران، ۹ نشریه در اصفهان، ۷ نشریه در رشت، ۶ نشریه در تبریز، ۴ نشریه در همدان، ۲ نشریه در لاهیجان، ۲ نشریه در ارومیه و در هریک از شهرهای

کرمانشاه، شیراز، مشهد، بندر انزلی و حضرت عبدالعظیم(ع) یک نشریه منتشر می‌شد (خانیک، ۱۳۸۱: ۲۹۶)، اما این آزادی، دوام زیادی نیاورد و بعد از به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی‌شاه، فعالیت روزنامه‌نگاران محدود و انتشار شب‌نامه، رو به تزاید گذاشت (ملک‌زاده، ۱۳۵۸: ۱۲۶).

۳- وضعیت انتقاد در مطبوعات در دوران رضاشاه

پس از کودتای سوم اسفند و با روی کار آمدن سید ضیاء طباطبایی، به دستور رضاشاه، تمام روزنامه‌ها و اوراق مطبوعه، تا موقع تشکیل دولت، به طور کلی موقوف شد. به دنبال این دستور، ده‌ها روزنامه‌نگار دستگیر و حتی روزنامه‌رعد - که مدیرش به نخست‌وزیری کودتا رسیده بود - توقیف گردید. انتشار شب‌نامه در دوره رضاشاه با شیب ملایم‌تری انجام می‌شد، اما زمانی که پلیس سیاسی، مزاحمت‌هایی برای افراد ایجاد می‌کرد، انتشار شب‌نامه‌ها از سر گرفته می‌شد. همچنان‌که حزب «ملیون» - که به‌همت گروهی از افراد ترقی‌خواه و روشنفکر و وطن‌پرست برای تضعیف و تعدیل اختناق و دیکتاتوری تشکیل شده بود - شب‌نامه‌ای را انتشار داد که محتوای آن انتقاد از دیکتاتوری رضاشاه و دخالت دربار در همه شئون و امور مملکت بود و از ملت درخواست می‌شد که بی‌طرفی و بی‌تفاوتی و سکوت را کنار بگذارند و در انتخابات، مداخله کنند و همچنین از مردم خواسته شده بود که مانع شوند تا یک نفر به جای آنان و شهربانی به قیومیت ملت، وکلای مجلس را انتخاب نماید. این تنها شب‌نامه جدی در آن عصر بود که با دستگیری نویسندگان و اعضای حزب، قضیه پایان یافت (خانیک، ۱۳۸۱: ۳۰۱).

۴- وضعیت انتقاد بعد از دهه بیست:

با تبعید رضاشاه و پایان استبداد رضاشاهی، ناگهان انفجاری در جامعه ایران رخ داد و به دلیل آزادی بیان موجود، ناگهان تعداد زیادی نشریه بر روی کیوسک‌ها قرار گرفت. در این دوران، به دلیل تنوع و تعدد نشریات از یک‌سو و نیاز به دانستن و آزادی از سوی دیگر، در کنار هرج و مرج و هتاک، فرهنگ تازه‌ای را در عرصه مطبوعات به آزمون گذاشت. این فرهنگ، به گفته یکی از نویسندگان روزنامه ایران در نخستین روزهای پس از سقوط رضاشاه، بی‌شبهت به زبان‌آوری افراد گنگ نبود: «مجلس و ملت ایران بیست سال است چنان تشنه آزادی زبان و قلم بودند که مانند شخص گنگی که غفلتاً به زبان آمده باشد، می‌خواهند در آن واحد هر چه در دل دارند، بگویند» (محسنیان راد، ۱۳۸۴: ۳۰)، این زبان‌گشودگی جامعه، موجب آن شد که دهه بیست، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین دوره‌های تاریخ مطبوعات ایران به‌لحاظ تعداد و تنوع نشریات درآید. بر طبق دفاتر وزارت فرهنگ در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، بیش از چهارهزار

امتیاز نشریه صادر گردید، حداقل ۱۱۶۲ عنوان روزنامه چاپ شد که از آن میان تنها ۲۰ روزنامه به طور مرتب منتشر می‌گردید (محسنیان‌راد، ۱۳۸۴: ۳۰).

در این دوره، میان مطبوعات و احزاب نیز نوعی پیوند دیده می‌شود. تعدد احزاب و مطبوعات تا حدودی به هم مرتبط هستند و به شدت از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. طی آن سال‌ها بیش از شصت و پنج حزب و جمعیت به وجود آمد و طبیعی بود که هم احزاب و هم دارودسته‌ها برای ابراز وجود و تظاهر به شخصیت، متوسل به چاپ روزنامه شوند (محسنیان‌راد، ۱۳۸۴: ۳۲).

روش تحقیق

بر پایه پرسش‌های این پژوهش، مناسب‌ترین روش‌های تحقیق اسنادی (کتابخانه‌ای) به منظور مطالعه تاریخی، مصاحبه عمقی و تحلیل محتوا سرمقاله‌های فاطمی است.

جمعیت آماری برای تحلیل محتوا در این تحقیق، شامل تمام سرمقاله‌های روزنامه باختر امروز در سال ۱۳۲۸ و ۱۳۳۲ است، البته باید تأکید کرد که این سرمقاله‌ها باید یا امضاء داشته باشند، یا مشخص باشد که توسط دکتر فاطمی نوشته شده است؛ زیرا بسیاری از سرمقاله‌های باختر امروز، در غیبت دکتر فاطمی به منظور معالجه در سال ۳۲، توسط نصرالله شیفته (سردبیر باختر امروز) به نگارش در آمده است.

روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در این تحقیق، کل‌شماری هدفمند است. البته با توجه به مشغله کاری فاطمی، تعداد این مقاله‌ها در سال ۳۲ کاهش چشمگیری داشته است، هر چند حضور دو ماهه وی در خارج از کشور به منظور معالجه نیز میزان مقالات را کاهش داده است؛ زیرا فاطمی از ۱۰ خرداد تا ۲۰ مرداد آن سال در ایران حضور نداشت.

واحد تحلیل

واحد تحلیل در این تحقیق، شامل تمامی سرمقاله‌های روزنامه باختر امروز است که در صفحه اول به چاپ رسیده است، بنابراین از سرمقاله‌هایی که امضای دکتر فاطمی را ندارد، صرف‌نظر می‌شود، مگر اینکه در کتاب‌های تاریخی و اسناد موجود، تصریح شده باشد که این سرمقاله را دکتر فاطمی نگاشته است.

پیش از کدگذاری، تعداد ۱۵ سرمقاله به صورت تصادفی انتخاب شد و در طول یک ماه، به طور دقیق با مدنظر قرار دادن اصول روزنامه‌نگاری، خوانده شد و در نهایت شاخص‌هایی

طراحی گردید و به چهارتن از استادان خبره و متخصص در امر تحلیل محتوا ارائه شد. این شاخص‌ها شامل ارزش‌های خبری، تعداد کلمات در تیتیر، به‌کارگیری واژگان انتقادی، محتوای مطلب، موضع‌گیری نسبت به دولت، موضع‌گیری نسبت به رقبای سیاسی، نهادهای هدف و... است که در ۴۵ نوشته دکتر فاطمی مورد تحلیل محتوا قرار گرفت.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

ابتدا سرمقاله‌ها جمع‌آوری شده و پس از ذخیره آنها بر مبنای دستورالعمل تنظیمی و با توجه به تعاریف عملیاتی متغیرها، کدگذاری صورت گرفته است. پس از ثبت داده‌ها در نرم افزار SPSS، تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح تبیینی و توصیفی از طریق جداول توزیع فراوانی، آزمون کای دو به انجام رسید. متغیرهای مورد تحلیل در دستورالعمل عبارت بودند از:

- ۱- روز انتشار (شنبه، یک شنبه، دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنج شنبه)
- ۲- سال انتشار (۱۳۲۸ یا ۱۳۳۲ که سال آغاز به‌کار و پایان روزنامه است)
- ۳- موضوع سرمقاله (بر اساس رویدادمذاری یا فرایندمداری)
- ۴- لحن سرمقاله (انتقادی، توصیه‌ای، افشاگرانه، تأییدی)
- ۵- بهره‌گیری از واژگان انتقادی (مؤدبانه، غیرمؤدبانه)
- ۶- جهت‌گیری سرمقاله (مثبت، منفی، خنثی، نامشخص)
- ۷- ارزش‌های خبری مستتر در سرمقاله بر پایه یازده عامل (برخورد، شهرت، دربرگیری، بزرگی فراوانی و مقدار، عجیب و استثنای، برخورد + شهرت، شهرت + دربرگیری، عجیب + دربرگیری، فراوانی + دربرگیری، برخورد + دربرگیری، برخورد + دربرگیری + شهرت)
- ۸- کد محتوای مطلب (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، روابط خارجی)
- ۹- تعداد کلمات در تیتیر سرمقاله (۱-۵، ۶-۱۰، ۱۱-۱۵، بیش از پانزده)
- ۱۰- منطقه رویداد سرمقاله (ملی، بین‌المللی، بین‌المللی + ملی)
- ۱۱- کد موضوع نهادهای هدف در سرمقاله (دولت، مجلس، دربار، گروه‌های اجتماعی، سفارتخانه، ارتش، شاه، تلفیقی)
- ۱۲- موضع‌گیری نسبت به دولت توجیه اقدامات، نقد، تفکیک موضع روزنامه از مسئولیت دولت)
- ۱۳- موضع‌گیری نسبت به رقبای سیاسی (نفی، دفاع، رقابت، نامشخص)
- ۱۴- مضمون انتقادی در سرمقاله (دعوت به قانون، شالوده‌شکنانه، نامشخص).

یافته‌های تحقیق

یافته‌های اسنادی

روند تاریخی تأسیس روزنامه باختر امروز

بعد از شهریور بیست، سیدحسین فاطمی، روزنامه باختر - که متعلق به برادرش بود - را منتشر کرد. روزنامه باختر با تلاش فاطمی به جایگاه خوبی در میان مطبوعات کشور دست یافت، اما بعد از رفتن فاطمی به خارج از کشور در سال ۱۳۲۲، این نشریه نیز پس از چندی رو به تعطیلی نهاد. دکتر فاطمی در سال ۱۳۲۷، پس از اخذ دکترای حقوق سیاسی از دانشگاه پاریس و دیپلم روزنامه‌نگاری از مؤسسه «هوت اتورانترناسیونال» به کشور بازگشت. (شیفته، ۱۳۶۴: ۲۹۷). فاطمی با کوله‌باری از تجربه روزنامه‌نگاری در روزنامه ستاره و باختر و برخورداری از تحصیلات آکادمیک، برای روزنامه درخواست مجوز کرد، اما چون سابقه نوشتن مقالات تند و مخالفت‌آمیز را داشت، این مسئله مورد توجه مقامات دولتی قرار گرفت. از سوی دیگر، حضور دکتر فاطمی با حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و سوءقصد به سوی شاه مصادف شد، امکان صدور امتیاز روزنامه فراهم نمی‌شد تا اینکه امتیاز یک روزنامه به نام باختر امروز صادر شد که ترکیبی از روزنامه باختر و مرد امروز بود و در هشتم مرداد ماه ۱۳۲۸ بر روی دکه رفت (خانیکی، ۱۳۷۳: ۳۷).

البته ده پیش شماره از نهم تا ۲۰ تیرماه منتشر شده بود که سرمقاله‌های شدیدالحنی همچون از رنج گرسنگی خود را به دار می‌کشند، این میلیادرها پول را چه می‌کنند، این ماشین شکسته را باید عوض کرد، درسی از مبارزه علیه زور، دولت با مردم شوخی می‌کند، ملت گرسنه ایمان ندارد و... به چاپ رسیده بود. بعد از انتشار رسمی، اولین سرمقاله روزنامه با عنوان «یا مرگ یا آزادی» و دومین سرمقاله با عنوان «از آن بالا من ناظر احتضار مجلس بودم که آخرین جلسه را جیب‌برها چگونه برگزار کردند» را به چاپ رساند. در دوره توقیف، تک‌شماره «سرگذشت مبارزه» به صاحب‌امتیازی سیدحسین مصطفوی نائینی و «باختر» به صاحب‌امتیازی نصرالله سیف‌پور فاطمی جای خالی باختر امروز را پر کردند (سفری، ۱۳۷۱: ۲۷۸).

باختر امروز تا ۲۳ مرداد ۱۳۲۸ در توقیف بود و فاطمی در نخستین شماره باختر امروز، پس از اولین توقیف در سرمقاله «آزادی قلم را نمی‌توان کشت» مخالفان آزادی مطبوعات را افرادی مفت‌خور و دزد و رشوه‌گیر و نالایق معرفی کرد. حمله به وکلا و وزرای که با قانون مطبوعات اخیر موافقت کرده بودند، باعث توقیف مجدد روزنامه در ۲۶ مرداد شد که تا دهم شهریور ادامه یافت و از ۱۲ شهریور باز کار خود را شروع کرد، اما بار دیگر در ۲۱ شهریور توقیف شد و از ۱۳ مهر از توقیف خارج شد (ناظم، ۱۳۸۷: ۷۸).

نقش سیاسی روزنامه باختر امروز

احمد ملکی مدیر روزنامه ستاره، نقش فاطمی را تعیین‌کننده دانست و در این مورد، زبان به تمجید فاطمی می‌گشاید. نصرالله شیفته در کتاب خود از احمد ملکی این‌گونه روایت می‌کند: این حقیقت بر هیچ‌کس پوشیده نیست که گرداننده واقعی و حقیقی جبهه ملی دکتر فاطمی بود که کمیسیون‌های جبهه ملی را اداره می‌کند. باید انصاف داد که شبانه‌روز کار می‌کرد و در سایه همین فعالیت بود که پیشوایی جبهه ملی را کاملاً در دست داشت. دکتر فاطمی، مصدق را متقاعد کرد که روزنامه‌ها به سه دسته تقسیم کند:

- ۱- روزنامه‌هایی که طرفدار دکتر مصدق و جبهه ملی بودند.
- ۲- جرایدی که صاحبانش عضو مؤسس جبهه ملی هستند.
- ۳- جرایدی که به‌خاطر اینکه جبهه ملی طرفدار آزادی قلم و آزادی انتخابات و الغاء حکومت نظامی است، از دکتر مصدق حمایت می‌کنند.

بزرگ‌ترین خدمت را دکتر فاطمی به مصدق کرد تا او را متقاعد به نیروی عظیم به نیروی عظیم و نفوذ مؤثر و برجسته تبلیغات کرد. نقش فاطمی در ایجاد همفکری بین جراید، دستگاه سیاسی آن زمان را مرعوب ساخته بود. تبلیغات دکتر فاطمی و ایجاد روح وحدت و هماهنگی در بین جراید عضو جبهه ملی حکومت رزم آرا را سخت نگران ساخته بود در حقیقت می‌توان گفت نفوذ دکتر فاطمی در جبهه ملی به‌حدی بود که می‌توانست هر مطلبی را اراده کند در جبهه مورد طرح قرار دهد و هر اشکالی را می‌خواست فوراً حل و فصل می‌کرد (شیفته، ۱۳۶۴: ۶).

روزنامه باختر امروز از همان ابتدا فعالیت روزنامه‌نگاری خود را بر تحقق یک هدف استوار کرد و همین موجب شد که این روزنامه در میان انواع روزنامه‌ها دست‌به‌دست بچرخد و گاه تا ۱۲ تومان خرید و فروش شود (سطوتی، ۱۳۸۹: ۲). روزنامه باختر امروز با بهره‌گیری از اصول حرفه‌ای، در زمانی اندک جای خود را در بین عموم مردم باز کرد. این روزنامه، در چهار صفحه سیاه و سفید که اغلب فاقد عکس یک بود، منتشر می‌شد. خلاصه‌خبرهای درون صفحات در کنار لوگو که در سمت راست کار می‌شد، به چاپ می‌رسید. البته یک وجه تمایز دیگر در سال ۲۸ و ۳۲ وجود دارد روزنامه باختر امروز در سال ۲۸ در چهار صفحه منتشر می‌شد و هرگز تعطیلی نداشت؛ حتی روزهای جمعه نیز بر روی کیوسک می‌رفت، اما روزنامه در سال ۳۲ در ۸ صفحه منتشر می‌شد که این موضوع مورد اشاره شیفته نیز قرار گرفته است: «امروز به‌طور متوسط باختر امروز بیش از ۲۵ هزار شماره چاپ می‌شود و خیلی متأسفیم که این مقدار کفاف بیش از نصف تقاضای خوانندگان گرامی ما را نمی‌دهد. ما با این مشکلات روزنامه خود را چاپ می‌کنیم، در حالی که نه با هیچ‌کس بندوبست و نه در مقاطعه‌کاری‌ها و

مزایده‌ها دست‌اندازی می‌کنیم و نه مانند برخی از مدیران محترم در کارچاق‌کنی و انتصابات دخالت می‌نماییم (خانیکی، ۱۳۷۳: ۳۹).

دکتر سیدحسین فاطمی در طول ۳۷ سال عمر کوتاه خود، تحولات زیادی را تجربه کرد از یک‌سو در نوجوانی به امر روزنامه‌نگاری مشغول شد. از سوی دیگر در دهه سوم زندگی خویش، به‌عنوان یک دولتمرد در کنار مصدق قرار گرفت. بررسی عملکرد سیدحسین فاطمی به‌عنوان فردی که ابتدا روزنامه‌نگاری را تجربه کرده و بعد به بالاترین مقام سیاسی در کشور رسیده، از آن جهت واجد اهمیت است که می‌تواند الگویی را پیش روی ما قرار دهد.

ویژگی‌های سیاسی و حرفه‌ای

سیدحسین فاطمی (۱۳۳۳-۱۲۹۶) که از خانواده روحانی در نائین برخاسته بود، روزنامه‌نگاری را از ایام تحصیل در دبیرستان آغاز کرد. او در آن دوره، به‌کمک برادرش نصرالله سیف‌پور فاطمی شتافت که روزنامه باختر را در اصفهان منتشر می‌کرد. حسین کار خود را در باختر با نگارش مقالات آغاز کرد. او که تحصیلات دبیرستانی را می‌گذارید، در تهیه و تنظیم مطالب روزنامه به برادرش کمک می‌کرد و بیشتر وقت خود را صرف تهیه مطالب و چاپ و توزیع می‌کرد و به تدریج تجربیاتی کسب کرد و در امور روزنامه‌نگاری سررشته‌ای پیدا کرد (عاقلی، ۱۳۸۰: ۱۰۶۹) او در سال ۱۳۱۶ به تهران آمد و کار خود را در روزنامه ستاره - که به‌وسیله احمد ملکی اداره می‌شد - آغاز نمود. فاطمی در سال ۱۳۱۷ پس از نگارش مقاله‌ای ادبی در روزنامه ستاره، مورد سوء ظن و تحت نظر شهربانی قرار گرفت (شیفته، ۱۳۶۴: ۴) و توسط مأموران دولتی، در اصفهان بازداشت شد. وی پس از آزادی به تهران آمد تصمیم گرفت باختر روزنامه برادرش را در تهران منتشر نماید. البته فعالیت سیاسی را از همین دوران با جدیت آغاز کرد. نخستین مورد از فعالیت فاطمی در سال ۱۳۲۰ برپایی مراسم ختمی برای مرحوم سیدحسین مدرس بود که در آن از مدرس با عنوان «شهید» نام برد (ناظم، ۱۳۸۷: ۳۰).

با تشکیل دولت دکتر مصدق در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰، دکتر فاطمی نیز معاونت سیاسی و پارلمانی نخست‌وزیر را پذیرفت، اما همچنان به کار مطبوعاتی خویش در باختر امروز ادامه داد و مبارزه علیه سیاست انگلستان را در این روزنامه شدت بخشید. او بعد از هفت ماه همکاری با دولت، برای شرکت در انتخابات، از مسئولیت خویش استعفا داد. دکتر فاطمی در ۲۳ بهمن ماه ۱۳۳۰ به هنگام برگزاری مراسم بزرگداشت محمد مسعود مورد سوء قصد قرار گرفت، اما از همان تخت بیمارستان سرمقاله‌های آتشین خود را ادامه داد و در همان‌جا استعلام نمایندگی مردم تهران را پذیرفت (شیفته، ۱۳۶۴: ۲۴۴).

دکتر فاطمی با وجودی که ۷ ماه معاون نخست‌وزیر بود، دیناری حقوق نگرفت و روزی که در معیت دکتر مصدق به امریکا می‌رفت، روزنامه باختر امروز ناچار شد مقداری ارز غیردولتی خریداری و برای مخارج به ایشان بدهد. زمانی که دکتر فاطمی برای ادامهٔ معالجه به آلمان می‌رفت، روزنامه ما ناگزیر شد مقداری کمک مالی به وی بنماید تا ادامهٔ معالجه میسر گردد (خانیک، ۱۳۷۳: ۴۱)

دکتر فاطمی در مهرماه ۱۳۳۱ مسئولیت وزارت امور خارجه را پذیرفت و در شرایط دشوار دولت در کنار دکتر مصدق ایستاد. او معتقد به شدت‌عمل و قاطعیت در مقابل شاه به‌ویژه پس از تحریک‌هایی مثل تظاهرات ۹ اسفند ۱۳۲۱ در جانب‌داری از شاه بود. در ماجراهای خونین ۲۵ تا ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ اوج این قاطعیت‌ها به‌منصهٔ ظهور رسید. او در بامداد روز ۲۵ مرداد از سوی دولت، کاخ‌های سلطنتی را مهروموم کرد و در سرمقاله‌های تند و صریحی موضع خویش را نسبت به شاه و دربار با صراحت اعلام کرد. او در باختر امروز شماره ۲۶ مرداد تحت عنوان «خائنی که می‌خواست وطن را به خاک و خون بکشد، فرار کرد» از شاه به‌عنوان «جوان هوسباز» و از خاندان سلطنت از جمله اشرف به‌عنوان «مجلس‌ساز» و از مادر شاه به‌عنوان «اقلیت‌ساز» یاد کرد. به‌نظر او سقّاک و خونریزی و چپاول پدر و خیلی خصوصیات دیگر خاندان جلیل، این فصل شرم‌آور و این ورق سراپا ننگ آخر را نیز لازم داشت (فاطمی، ۱۳۳۲: ۱).

دکتر فاطمی آخرین سرمقالهٔ خود را در آخرین شمارهٔ باختر امروز در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ تحت عنوان «شرکت سابق و روزنامه‌های محافظه‌کار لندن دیروز عزادار بودند» نوشت و با این شعر سعدی حیات مطبوعاتی خود را به پایان برد که «عاقبت گرگ‌زاده گرگ شود، گرچه با آدمی بزرگ شود» (فاطمی، ۱۳۳۲: ۱).

دکتر فاطمی پس از کودتای ۲۸ مرداد زندگی مخفی را برگزید، اما سرانجام در ۶ اسفند ۱۳۳۲ دستگیر شد و سرانجام در حالی که در بستر بیماری بود در روز چهارشنبه ۱۹ آبان ۱۳۳۳ به جوخه اعدام سپرده شد. مهم‌ترین ویژگی کار سیاسی و حرفه‌ای فاطمی را بر اساس اسناد، مکتوبات، مصاحبه با نزدیکان و همکارانش، می‌توان در موارد فاطمی روزنامه‌نگار، فاطمی و هفت اصل حرفه‌ای، فاطمی و رویکرد حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری و فاطمی دولتمرد و آموزش‌های علمی روزنامه‌نگاری و... برشمرد:

فاطمی روزنامه‌نگار

فاطمی با تجربهٔ کار در روزنامهٔ باختر، عازم تهران می‌شود و در اولین اقدام، به روزنامه ستاره رفته و تقاضای کار می‌کند. قلم توانمند وی موجب می‌شود که به‌راحتی در روزنامهٔ ستاره - که از روزنامه‌های مشهور آن زمان بود، ماندگار شود. البته نگارش این مقالات جنجالی و انتقادی از

فاطمی چندان دور از انتظار نبود؛ چراکه فاطمی در باختر نیز مقالات تندی را به نگارش درآورده بود. وی در نخستین سرمقاله روزنامه باختر که در سال ۱۳۱۴ منتشر شد، در اوج جنگ و فلاکت و بدبختی مردم به این مسئله اشاره کرد که اولین و بهترین اسلحه ما برای حفظ ایران، داشتن آزادی است. ایران را باید ایرانی حفظ کند؛ یعنی توده مردم و اجتماع تا آزادی نداشته باشند، نمی‌توانند به وظایف خود عمل کنند. پس می‌گوییم هر کس آزادی مشروع ملت ایران را محدود کند، به استقلال ایران لطمه زده و هر کس به استقلال ایران لطمه بزند، خائن است (سفری، ۱۳۷۱: ۹۷).

فاطمی و آموزش‌های علمی روزنامه‌نگاری

فاطمی در سال مهرماه ۱۳۲۴ در زمان دولت محسن صدرالاشراف به‌عنوان وابسته مطبوعاتی، همراه با هیئت نمایندگی ایران برای شرکت در بیست و هفتمین اجلاس کنفرانس بین‌المللی کار، به فرانسه رفت و پس از پایان کنفرانس تصمیم گرفت تا جهت ادامه تحصیل در فرانسه اقامت کند. بنابراین در مدرسه مطالعات اجتماعی پاریس اقامت کرد و در یکی از محله‌های دانشجویی و ارزان پاریس به نام «کارتیه لاتین» ساکن شد و همانند بسیاری از دانشجویان، برای تأمین هزینه زندگی و تحصیلات، با مشکلات زیادی روبه‌رو بود، اما به تحصیل خود ادامه داد و آن را به پایان رساند (ناظم، ۱۳۸۷: ۷۲).

فاطمی و رویکرد حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری

فاطمی در راستای نزدیک شدن به معیارهای اصیل حرفه‌ای، این اصول را در جریان کار مورد توجه قرار داد و از همکاران می‌خواست تا این معیار را همواره رعایت کنند. وی در چاپ اخبار، یک اصل را مبنا قرار داده بود که همانا رعایت اصل بی‌طرفی است. فاطمی در چاپ اخبار حفظ اصالت خبر را مورد تأکید قرار می‌داد. وی هیچ‌گاه معتقد به سانسور یا خودسانسوری نبود و همواره به این نکته اشاره می‌کرد که خودسانسوری، اصطلاحی خاص رژیم‌های دیکتاتوری است. وی به‌قدری برای این مسئله اهمیت قائل بود که اگر می‌دید یکی از همکاران در نوشتن خبر، اصل بی‌طرفی را رعایت نکرده، سخت از وی عصبانی می‌شد و همواره به خبرنگاران توصیه می‌کرد که از دادن اخبار ناقص، تکراری یا بی‌اساس، خودداری کنند. فاطمی بر این باور بود که مطالبی با رویکرد انتقادی نسبت به دوستان جبهه ملی باید به‌صورت معقولی به چاپ برسد (افراسیابی، ۱۳۶۶: ۱۱۸). پریش سوطی همسرش هم در مصاحبه با نگارنده او را روزنامه‌نگار بزرگی دانست که بیش از اینکه دغدغه سیاست داشته باشد، دغدغه روزنامه‌نگاری داشت و با اینکه مقالات باختر امروز را روز قبل می‌خواند، اما فردا که به چاپ می‌رسید، بار دیگر زمان

صرف صبحانه، دوباره آن را با عشق و علاقه می‌خواند (سطوتی، ۱۳۸۹: ۱) نکته جالب مصاحبه با منصور فرهمند خبرنگار روزنامه باختر امروز است. وی در مصاحبه با نگارنده بر این نکته تأکید کرد که زمانی در باختر امروز به کار گرفته شده که بیشتر کارها را شیفته انجام می‌داد و دکتر فاطمی به دلیل حضور در دولت، کمتر فرصت حضور در روزنامه را داشت، اما در همان زمان کوتاهی که در روزنامه حضور می‌یافت، بیشتر تأکید بر درستی و اصالت خبر داشت. به عبارت دیگر بیش از اینکه دغدغه سیاست داشته باشد، دغدغه اصول روزنامه‌نگاری داشت (فرهمند، ۱۳۸۹: ۱).

فاطمی و هفت اصل حرفه‌ای

فاطمی به عنوان دانش‌آموخته روزنامه‌نگاری، تلاش می‌کرد تا طرحی نو در اندازد و بسیاری از مشکلات موجود در روزنامه‌های آن دوران را نداشته باشد؛ همچنانکه در شماره‌های نخست روزنامه، مرامنامه‌ای را به عنوان اصول بدیهی در روزنامه باختر امروز تحت عنوان «کارهایی که باختر امروز نمی‌کند» به چاپ رساند:

- ۱- در فوت کسی به بازماندگان آن مرحوم تسلیت نمی‌گوییم.
- ۲- آمد و رفت‌های مأمورین جز دولتی را نمی‌نویسیم.
- ۳- از جلساتی که نتیجه‌اش با «اقدامات یا تصمیمات مقتضی» خاتمه می‌یابد، نام نمی‌بریم.
- ۴- در هر مطلب روز صریح و روشن همان روز اظهار نظر می‌کنیم و هرگز اظهار نظر را به فردا موکول نمی‌کنیم.
- ۵- مقالات تعریف از اشخاص را به فردا موکول نمی‌کنیم.
- ۶- سفارش خصوصی دوستان و رفقای مطبوعاتی را در امور عمومی ترتیب اثر نمی‌دهیم.
- ۷- روزنامه را به کسی تحمیل نمی‌کنیم، ولی از مفت‌خواری و روزنامه مجانی خواندن هم منزجریم (بی نا، ۱۳۲۸: ۲).

فاطمی و رویکردهای مدیریتی در روزنامه‌نگاری

فاطمی رؤیاهای بزرگی در سر داشت که فرصتی برای تحقق آن نیافت. وی در آن ایام آرزو داشت که تجربه روزنامه‌های بزرگ دنیا را ایران اجرا کند؛ به ترتیبی که قصد داشت تا با استفاده از یک کادر سیاسی و مفسران قوی، روزنامه سیاسی همانند «لوموند» را به چاپ برساند. همچنین با کمک مورخان و محققان، نشریه ادبی، تاریخی، علمی را به شکل هفتگی مشابه نشریه «هیستوریا» زیر نظر استاد محیط طباطبایی انتشار دهد. چاپ و انتشار یک نشریه علمی با اخبار مصور سیاسی، علمی، اجتماعی شبیه «ریدرز دایجست» که جایش در ایران

خالی بود، چاپ کند و نشریه سیاسی و ملی برای دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور منتشر کند تا دانشجویان از افکار جبهه ملی آگاه شوند (شیفته، ۱۳۶۴: ۴۴)

فاطمی در کنار تمام این آرزوها تأسیس یک گروه انتشاراتی با سرمایه نویسندگان، محققان و همکاران مطبوعاتی را پی‌گیری می‌کرد که تمام کارمندان در آن سهم داشته باشند. این مطلب در واکاوی نامه فاطمی به شیفته بارز است. دکتر حسین فاطمی در نامه دوم خود به نصرالله شیفته، پس از شهادت محمد مسعود در ۲۱ مه ۱۹۴۸ نوشته است: یک ماه تا چهل روز دیگر تر خود را خواهم گذارند، آقای مصباح (برادر ارشد فاطمی) به من اطلاع داد که حاضر است تا یک چاپخانه برایمان بخرد. در فرانسه مشغول به کار هستم تا اگر بتوانم یک روتاتیو تهیه کنم. نقشه من به هم خورد میل من این بود که با مسعود شهید، شرکتی درست کنیم و خیلی پروژه‌ها برای این کار داشتیم، متأسفانه با شهادت او تمام این افکار بر باد رفت. تو بدان که انتشار یک روزنامه یومیه و پروگرام مفصلی که در صدد اجرای آن بودم، بدون داشتن ابزار کار میسر نیست. مخصوصاً با ابزار کهنه و پوسیده‌ای که در ایران متداول است و با آن کار می‌کردیم و کار می‌کنند، دیگر روزنامه‌نویستن مسخره است. به نظر می‌آید تشکیلاتی که من در نظر دارم به وجود بیاورم، در مرحله اول یک چاپخانه وسیع است، در مرحله دوم {راه‌اندازی} شرکت با چند روزنامه‌نویس اعم از اینکه بعداً به وجود بیاید یا اینکه از روزنامه‌نگاران موجود شرکای خود را انتخاب کنیم؛ زیرا محتاج روزنامه صبح و عصر و هفتگی و ماهیانه هستیم، اینها را باید از میان رفقای خود انتخاب کنیم (شیفته، ۱۳۶۴: ۱۴).

فاطمی سیاستمدار

حسین شاه‌حسینی فعال جبهه ملی و پژوهشگر تاریخ، در مصاحبه با نگارنده بر این مسئله تأکید کرد که اگر فاطمی در جبهه ملی حضور نداشت و در کنار مصدق قرار نمی‌گرفت، به‌طور قطع مصدق به اهداف خود نمی‌رسید؛ زیرا فاطمی در اصل جبهه را هدایت می‌کرد و موجب شد تا صنعت نفت ملی شود (شاه‌حسینی، ۱۳۸۹: ۱).

دکتر فاطمی بیشتر بیانی‌ها و قطعنامه‌ها را تهیه و تنظیم می‌کرد، همین عوامل موجب شد که دکتر مصدق بارها در مورد فعالیت مطبوعاتی تعیین‌کننده دکتر فاطمی، زبان به تحسین بگشاید و به‌صراحت اعلام کند که «قلم دکتر فاطمی به اندازه یک ارتش به ما یاری و کمک می‌دهد» (نجمی، ۱۳۶۸: ۲۱۸).

فاطمی دولتمرد

فاطمی زمانی که به‌سمت معاونت نخست وزیری منصوب شد، سرگردانی کارمندان روزنامه باختر امروز تشدید شد. مهم‌ترین مشکل خبرنگاران باختر امروز این بود که ناگهان از کسوت

ضد حکومت بودن و اقلیت، به قدرت و حکومت منتقل شده بودند، همین مسئله، ابهام زیادی را ایجاد کرده بود.

محمدعلی سفری پس از تأیید دکتر فاطمی در مجلس سنا (۳۰ اردیبهشت)، در کاخ نخست‌وزیری میهمان فاطمی شد. وی در کتاب خود، آن ملاقات را این‌گونه روایت می‌کند:

«در میدان ارگ به دیدارش رفتم و مشکل کار خود را به‌صراحت عنوان کردم و افزودم که حالا که شما معاون نخست‌وزیر هستید، تکلیف ما در روزنامه چیست؟ زنده‌یاد دکتر فاطمی در جواب گفت: این تنها مشکل شما نیست، وضع خود من به‌مراتب مشکل‌تر شده است، منتهی شما باید به وظیفه خود در برابر باختر امروز همچون گذشته انجام دهید. در جوابش گفتم تا به حال تکلیف خود را می‌دانستیم؛ یک روزنامه مخالف دولت و منتقدی بودیم، اما حالا وضع فرق کرده است، شما معاون نخست‌وزیر هستید و باختر امروز ارگان جبهه ملی است که رهبر آن رئیس دولت است، بنابراین ما چگونه می‌توانیم راه خود را ادامه بدهیم، آیا ما باید از رویه تهاجمی به رویه تدافعی تغییر وضع بدهیم؟ دکتر فاطمی در پاسخ به من گفت: امشب به رفقا به‌خصوص هیأت تحریریه اطلاع بده تا همه در روزنامه جمع شوند تا در حضور جمع، حرف‌های بزرگ زده شود. همان شب در دفتر روزنامه دکتر فاطمی حضور یافت و ضمن تشریح اوضاع سیاسی مملکت، خطاب به هیأت تحریریه گفت که روزنامه، بدون در نظر گرفتن سمتی که وی در دولت دارد و با موقعیت جبهه ملی و دکتر مصدق، همچون گذشته راه خود را خواهد رفت. دکتر فاطمی در آن جلسه به همکاران تذکر داد که حساب دولت دکتر مصدق و همکاران ایشان را در دولت از حساب روزنامه جدا کنند. دکتر فاطمی از عموم همکاران خواست همان روال انتقادی گذشته را در کلیه امور حفظ کنند» (سفری، ۱۳۷۱: ۴۶۰).

فاطمی و تلاش برای تفکیک نقش‌ها

سیدحسین فاطمی، همواره تلاش داشت تا پس از حضور در دولت، نقش‌های خود را از هم تفکیک کند. محمدعلی سفری به‌عنوان خبرنگار پارلمانی، خاطره روزی که فراکسیون نهضت ملی در مجلس تشکیل جلسه داد را این‌گونه روایت می‌کند:

«روز ۱۲ آبان ۱۳۳۱ اعضای فراکسیون مجلس، یک جلسه سرّی تشکیل دادند. آن روز مهندس رضوی که نایب‌رئیس مجلس بود، دستور داده بود که در راهروی مجلس کسی رفت و آمد نکند. من به دکتر فاطمی گفتم که خبر جلسه سرّی امشب را دارم. در آن زمان دکتر فاطمی گفت به من چه مربوط است، من وزیر امور خارجه هستم. بلافاصله من گفتم که خبر این جلسه را به مدیر روزنامه باختر امروز داده‌ام» (سفری، ۱۳۷۱: ۶۸۱).

سیدحسین فاطمی به منظور تفکیک نقش‌های خود، حساسیت زیادی نشان می‌داد؛ به ترتیبی که در لابه‌لای سخنان خود مواظب بود تا مبادا به گونه‌ای سخن بگوید که مناسب یک روزنامه‌نگار باشد، نه معاون نخست وزیر یا وزیر امور خارجه. محمدعلی سفری به خوبی این دوران را به تصویر می‌کشد. در فاصله زمانی کودتای ناکام تا کودتای ۲۸ مرداد، خبرنگار باختر امروز حال و هوای مدیر مسئول خود که از قضا وزیر امور خارجه هم هست را این گونه توصیف می‌کند:

«بی‌جهت نیست که در این سه روز، بین دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه با دکتر فاطمی مدیر روزنامه باختر امروز، از زمین تا آسمان تفاوت وجود دارد. او در ۳ مقاله در این سه روز، پیش‌تاز همه داوطلبان تغییر رژیم است، اما در هنگام سخنگویی دولت، آشکارا چون دوندگان نفس‌بریده و همانند پهلوانان دست و پا بسته، حرف دل را نمی‌زند. بنابراین در کنفرانس مطبوعاتی ۲۵ مرداد؛ هنگامی که از وی پرسیده می‌شود که آیا دست شاه در جریان کودتا بوده است، جواب داد نظر دولت ایران را نمی‌دانم، ولی نظر خودم را در سه مقاله روزنامه باختر امروز به اطلاع ملت ایران رساندم» (سفری، ۱۳۷۱: ۸۶۱).

فاطمی همواره رویکرد عدم سازش با قدرت را دنبال کرد. این مسئله بعد از حضور در دولت نیز دنبال می‌شد و حتی مقامات بالاتر را در بر می‌گرفت؛ به ترتیبی که بعد از حضور در دولت، قرار شد که به خدمت شاه رسیده، گزارش‌های مملکت را به صورت خصوصی در اختیار وی قرار دهد. ابتدا از شاه خواست تا وی را از تعارفات غیرمعمول معاف بدارد و آن را حمل بر عدم نزاکت نکند. یکبار شاه از وی سؤال کرد که چرا اینقدر در روزنامه‌تان از پدر من به بدی یاد می‌کنید. دکتر فاطمی در پاسخ گفت: پدر شما در بیست سال دیکتاتوری، ظلم به اطرافیان و مردمش کرد، امکان ندارد بتوان فرض کرد او با هوشیاری خاصی که داشت، از این مسئله آگاه نبوده است. بنابراین او از آن رژیم ظلم و فساد آگاهی کامل داشت و در نتیجه، مقصر می‌باشد. بنابراین بهتر است شما خرج خود را از پدرتان جدا کنید. شما در سوئیس تحصیل کرده‌اید و با دموکراسی آشنا هستید و انتظار مردم از شما این است که روح دموکراسی را در کارهای خود رعایت کنید (شیفته، ۱۳۶۴: ۲۵).

تحلیل محتوای سرمقاله‌ها

بعد از بررسی مطالعاتی اسنادی می‌توان به تحلیل محتوای نوشته‌ها پرداخت. در این میان، ۴۵ اثر فاطمی در مورد لحن سرمقاله‌ها در سال ۲۸ و ۳۲ مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد:

جدول شماره ۳: بررسی فراوانی لحن سرمقاله

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	لحن سرمقاله	سال
۴۰/۶	۴۰/۶	۴۰/۶	۱۳	انتقادی	۲۸
۵۹/۴	۱۸/۸	۱۸/۸	۶	توصیه ای	
۹۰/۶	۳۱/۳	۳۱/۳	۱۰	افشاگرانه	
۱۰۰/۰	۹/۴	۹/۴	۳	تلفیقی	
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۳۲	جمع کل	
۱۵/۴	۱۵/۴	۱۵/۴	۲	توصیه ای	۳۲
۵۳/۸	۳۸/۵	۳۸/۵	۵	افشاگرانه	
۷۶/۹	۲۳/۱	۲۳/۱	۳	تأییدی	
۱۰۰/۰	۲۳/۱	۲۳/۱	۳	تلفیقی	
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۳	جمع کل	

با بررسی جدول شماره ۳ می‌توان دریافت که در سال ۱۳۲۸ بیشتر مطالب انتقادی بوده و ۴۰/۶ را به خود اختصاص داده است، اما این مسئله در سال ۳۲ کم‌رنگ شده و جای خود را بیشتر به مطالب تأییدی داده است و این مسئله، به تغییر دولت ارتباط پیدا می‌کند؛ زیرا وی در سال ۲۸ به‌عنوان منتقد دولت فعالیت می‌کرده و در سال ۳۲ مدافع دولت بوده است.

جدول شماره ۴: مقایسه سال انتشار و موضع‌گیری نسبت به دولت در سرمقاله‌های فاطمی در سال ۲۸ و ۳۲

جمع کل		۱۳۳۲		۱۳۲۸		سال انتشار
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	موضع نسبت به دولت
۲۶/۷	۱۲	۸۴/۶	۱۱	۳/۱	۱	توجیه اقدامات
۶۲/۲	۲۸	۷/۷	۱	۸۴/۴	۲۷	نقد
۲/۲	۱	۷/۷	۱	۰	۰	تفکیک
۸/۹	۴	۰	۰	۱۲/۵	۴	نامشخص
۱۰۰/۰	۴۵	۱۰۰/۰		۱۰۰/۰	۳۲	جمع کل

Sig=0.00

بررسی آزمون کای اسکور با درجه آزادی ۳ و ۹۹ درصد اطمینان نشان می‌دهد که بین سال انتشار و موضع‌گیری نسبت به دولت، رابطه وجود دارد. کما اینکه فاطمی در سال ۲۸ به‌عنوان منتقد دولت عمل کرده، اما در سال ۳۲ به‌عنوان مدافع دولت رفتار نموده و در مقام توجیه اقدامات دولت برآمده است.

نتیجه‌گیری

مطالعه تاریخی و اسنادی مصاحبه با صاحب‌نظران هم‌عهد با دکتر فاطمی و نیز تحلیل محتوای سرمقاله‌های نگاشته‌شده در باختر امروز، نشان می‌دهد که فاطمی به‌دلیل ورود به دو عرصه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای پیش از تحصیل در اروپا و بعد از آن، اهتمام در تفکیک نقش‌های وزارت و روزنامه‌نگاری در نزدیک‌کردن دو عرصه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و سیاسی موفق بوده است و اساس این موفقیت، بر سامان‌دادن نقش انتقادی روزنامه از سویی و سازمان‌دادن نهادهای آن از سوی دیگر متمرکز بوده است.

پیشنهادها

پایان‌بخشیدن به منازعه تاریخی موجود بین روزنامه‌نگاری سیاسی و روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، نیازمند آموزش‌های مدون و علمی، به‌منظور تبیین جایگاه اصول حرفه‌ای و روشنگری در مورد چگونگی تلفیق این دو حوزه از یکدیگر است. کاستن از فاصله میان دانشگاه و نهادهای مطبوعاتی و گسترش آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای از سوی نهادهای مدنی و صنفی با همکاری مؤسسات دانشگاهی، می‌تواند این معضل را برطرف کند؛ زیرا محدودکردن این مسئولیت در سطح آموزش‌های رسمی و دستگاه‌ها و نهادهای تحت نظر دولت، این آموزش‌ها را به‌سوی «دولتی‌بودن» و «رسمیت» سوق می‌دهد. البته آموزش‌های ضمن خدمت برای روزنامه‌نگارانی که دانش‌آموخته رشته روزنامه‌نگاری نیستند، نیز توصیه می‌شود؛ زیرا بسیاری از روزنامه‌نگاران دارای تحصیلات آکادمیک (در این رشته) نیستند.

بررسی‌های تاریخی به‌منظور پیداکردن الگوهایی همانند باختر امروز، بسیار مفید است در این زمینه، می‌توان از روزنامه‌های موجود که در ایجاد این پیوند موفق بوده‌اند، کمک گرفت و حتی مطالعه موردی این‌گونه نشریات را منتظر قرار داد.

منابع

- افراسیابی، بهرام (۱۳۶۶) خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، تهران: نشر سخن.
- آل احمد، جلال، (۱۳۶۴) هدایت بوف‌کور، در هفت مقاله، تهران: انتشارات رواق.
- بی‌نا (۱۳۲۸) کارهایی که باختر امروز نمی‌کند، باختر امروز، ۱۰ شهریور، س ۱، شماره ۵۴، صفحه ۲.
- بدیعی، نعیم (۱۳۷۱)، معیارهای گزینش خبر: کدام خیر، چرا؟، رسانه سال ۱، ش ۱، تهران
- خانیکی، هادی (۱۳۷۳) ساخت کلی نشریات و عوامل مؤثر بر رشد مطبوعات نهضت ملی با تأکید بر روزنامه باختر امروز، گزارش تحقیق برای درس تاریخ ارتباطات اجتماعی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی (ره).
- خانیکی، هادی (۱۳۸۱) قدرت جامعه مدنی و مطبوعات، نشر نو.
- سفری، محمدعلی (۱۳۷۱) از استعفای رضا شاه تا سقوط مصدق، تهران: نشر نامک.
- سطوتی، پریش، (۱۳۸۹) مصاحبه عمقی با نگارنده، آذر.
- شاه‌حسینی، حسین، (۱۳۸۹) مصاحبه عمقی با نگارنده، دی.
- شجیعی، زهرا (۱۳۷۲) نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ج ۴، تهران: نشر سخن.
- شیفته، نصراله (۱۳۶۴) زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، تهران: نشر آفتاب.
- عاقلی، باقر (۱۳۸۰) شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۲، تهران: نشر گفتار.
- فاطمی، حسین (۱۳۳۲) خائنی که می‌خواست وطن را به خاک و خون بکشانند فرار کرد، روزنامه باختر امروز، ۲۶ مرداد، س ۴، شماره ۱۱۷۳، صفحه ۱.
- فاطمی، حسین (۱۳۳۲) این دربار شاهنشاهی روی ملک فاروق را سفید کرد، روزنامه باختر امروز، ۲۵ مرداد، س ۴، شماره ۱۱۷۲، صفحه ۱.
- فاطمی، حسین (۱۳۳۲) شرکت‌های سابق و روزنامه‌های محافظه کار لندن دیروز عزادار بودند، روزنامه باختر امروز، ۲۷ مرداد، شماره ۱۱۷۴، صفحه ۱.
- فرهومند، منصور (۱۳۸۹) مصاحبه عمقی با نگارنده، آبان.
- قاسمی، سید فرید (۱۳۷۲) راهنمای مطبوعات ایران، عصر قاجار، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- کین، جان (۱۳۸۳) رسانه‌ها و دموکراسی، نازنین شاه رکنی تهران: انتشارات طرح نو.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۴) ایران در چهار کپکشان ارتباطی: سیر تحول تاریخ ارتباطات در ایران از آغاز تا امروز. سه جلد. تهران: انتشارات سروش
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۲) روزنامه‌نگاری با فصلی جدید در بازنگری روزنامه‌نگاری معاصر، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، نشر سپهر، چاپ چهارم.

- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۵۸) تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، بخش اول از مجموعه دو جلدی، ج ۲، انتشارات تهران.
- ناظم، رزا (۱۳۸۷) سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران، تهران: انتشارات آگاه.
- نجمی، ناصر (۱۳۶۸) بامصدق ودکتر فاطمی، تهران: نشر معاصر.
- نگرین، رالف (۱۳۷۰) خبر و تهیه خبر ترجمه فرانک پیروزفر، رسانه، سال ۲، ش ۴، انتشارات تهران.
- هیکل، حسنین (۱۳۶۴) میان مطبوعات و سیاست، ترجمه محمدکاظم موسایی، تهران: انتشارات الفبا.